



تبیین جایگاه آموزه‌های قرآنی ناظر به نظام‌های عینی و علمی تمدن

اگر بخواهیم منظر آموزه‌های الهی قرآن را که ناظر به بحث تمدن هستند، دریابیم، باید بخشی از آن آموزه‌ها و تعالیم را ناظر به عینیت‌های خارجی و بخشی از آن‌ها را معطوف به نظام معرفت‌های انسانی‌ای بدانیم که قرار است در کنار هم و در تناظر و همکاری با هم انسان را به تکامل برسانند.

اگر بخواهیم منظر آموزه‌های الهی قرآن را که ناظر به بحث تمدن هستند، دریابیم، باید بخشی از آن آموزه‌ها و تعالیم را ناظر به عینیت‌های خارجی و بخشی از آن‌ها را معطوف به نظام معرفت‌های انسانی‌ای بدانیم که قرار است در کنار هم و در تناظر و همکاری با هم انسان را به تکامل برسانند.

حجت‌الاسلام و المسلمین ذبیح‌الله نعیمنیان، عضو هیئت علمی پژوهشگاه اندیشه سیاسی اسلام، وابسته به دبیرخانه مجلس خبرگان، در گفت‌وگو با خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، به بیان نکاتی در باب تمدن‌سازی قرآنی پرداخت و گفت: برای این که بخواهیم افق دیدی را داشته باشیم که قرآن کریم و اسلام و آموزه‌های دینی برای ما و در واقع برای نحوه زندگی و سلوک و سبک زندگی ما در افق تمدنی تصویر می‌کنند، باید نظری به ابعاد مختلف تمدن داشته باشیم.

نظام‌های عینی در تمدن

نعیمنیان با اشاره به دو بعد تمدن بیان کرد: یک بعد تمدن نظام‌های عینی‌ای است که در عالم خارج تحقق عینی دارند. این نظام‌ها، البته اگر بخواهیم نگاهی به تعدد آن‌ها نداشته باشیم، بریده از هم نیستند. نظام‌های اقتصادی، نظام‌های حقوقی، نظام‌های فرهنگی، نظام‌های سیاسی، نظام خانواده به عنوان بخشی از نظام کلی اجتماعی، تشکیل‌دهنده نظام‌های عینی‌ای هستند که اگر اجزاء هر کدام از این‌ها در تناسب با یکدیگر باشد، تحقق نظام‌واری پیدا می‌کنند که بخشی از تمدن را شکل می‌دهند.

وی افزود: اگر اجزاء این نظام‌های عینی در سازوکاری رقم خورده باشند که هماهنگی و اعتدال لازم در میان عناصر و مؤلفه‌های مربوط به هر یک از این نظام‌ها را برای آن‌ها به ارمغان آورده باشد نهایتاً ممکن است به وضعیت خاصی برسیم که در باب آن می‌توان با عنوان نسبت میان عینیت‌ها سخن گفت.

نعیمنیان:

اگر ما بتوانیم آموزه‌هایی را که خدای متعال با زبان بسیار ساده آن‌ها را در قرآن مطرح فرموده است با نظم و ترتیب استخراج کنیم و در کنار هم قرار دهیم خواهیم دید که این جهت کمالی را نسبت به هر دو مجموعه علمی و عینی‌ای که ما از آن یاد کردیم می‌توانیم پیدا کنیم.

نعیمنیان اظهار کرد: ما نظام‌های مختلفی داریم که در کنار یکدیگر قرار دارند و عناصر تشکیل‌دهنده هر کدام از این نظام‌ها باید با یکدیگر سازگار باشند و از تناسب و هماهنگی لازم در بین خود برخوردار باشند تا هر کدام از این نظام‌ها شکل بگیرند. پس از این مرحله نیز، اگر بخواهیم نسبت بین این نظام‌های عینی را هم در نظر بگیریم، مشابه همین وضعیت را باید بتوانیم پیش‌بینی کنیم و بگوئیم که باید بین این انواع مختلف نظام‌هایی که به صورت عینی در عالم خارج وجود دارند، نسبتی خاص و تعادلی خاص برقرار باشد تا بتوانند این نظام‌ها در کنار یکدیگر و در تعامل و در تناسب با یکدیگر تحقق نظام‌وار در عالم خارج پیدا کنند و بخشی از تمدن را شکل دهند.

نظام‌های علمی و معرفتی در تمدن

نعیمنیان در کنار این نظام‌های عینی به نظام‌های علمی و معرفتی به عنوان بعد دیگر تمدن نیز اشاره کرد و گفت: نظام علمی و معرفتی به این معناست که انسان در بررسی و تحلیل مسائل مختلف می‌تواند به صورت نظام‌وار و هماهنگ، به مطالعه موضوع مورد نظر خود بپردازد و منظومه‌ای از آموزه‌ها و برداشتها و نکات انتزاعی در مورد آن‌ها را طراحی کند و در کنار یکدیگر قرار بدهد و یک منظومه معرفتی خاصی را شکل بدهد و رقم بزند.

وی افزود: حال اگر یک نظام علمی خاص را معطوف به یک نظام عینی خارجی بدانیم، نشان‌دهنده این است که در واقع یک نظام معرفتی و علمی متناظر با آن نظام عینی شکل گرفته است و می‌تواند در خدمت بررسی آن و در خدمت جهت‌دهی آن، تحلیل آن و تعامل با آن باشد.

نعیمیان عنوان کرد: اگر ما بیش از يك نظام علمی و معرفتی، یعنی مجموعه‌ای از نظام‌های علمی و معرفتی که ناظر به نظام‌های عینی متناظر با خودشان هستند، داشته باشیم در این جا نیاز داریم که بین این نظام‌های معرفتی نیز يك نظام کلان و يك انتظام خاص را سراغ بگیریم و علاوه بر این اگر مجموعه نظام‌های عینی نیز در نسبتی که بین خودشان برقرار می‌کنند به صورت تکاملی رشد خوبی پیدا کرده باشند ما می‌توانیم به يك وضعیت خاصی برسیم که می‌توانیم از آن به وضعیت تمدنی یاد کنیم.

وی افزود: در مجموع باید ابتدا بین تك تك اجزاء هر کدام از نظام‌های علمی و نظام‌های عینی‌ای که متناظر با یکدیگر هستند و سپس بین نظام‌های علمی و نظام‌های عینی نیز نسبت خاصی برقرار باشد. اگر این نسبت هماهنگ و سازوار باشد ما می‌توانیم وضعیتی را در عالم خارج سراغ بگیریم که يك پایه آن به نظام‌های عینی برمی‌گردد و پایه دیگرش به نظام‌های علمی و معرفتی؛ در این جا می‌توانیم برداشت و انتظاری را که از این مجموعه دوگانه می‌کنیم با عنوان يك تمدن خاص باشد؛ که می‌تواند در ادوار مختلف و در وضعیت‌های تمدنی متفاوت مورد تحلیل نیز قرار بگیرد.

جهت کمالی آموزه‌های قرآن نسبت به هر دو بعد علمی و عینی تمدن

نعیمیان با اشاره به موضوع اصلی این گفت‌وگو بیان کرد: اگر بخواهیم ببینیم که دیدگاه اسلامی چیست و منظری که قرآن کریم و آموزه‌های الهی قرآن، ناظر به بحث تمدن، دارند کدام است؟ باید بخشی از آن آموزه‌ها و تعالیم را ناظر به آن عینیت‌های خارجی بازشناسی کنیم؛ آموزه‌هایی که در وضعیت ایده‌آل یا نسبتاً ایده‌آل به يك وضعیت تمدنی رسیده‌اند و از انسجام مناسب با خود برخوردار شده‌اند و بخشی از آموزه‌های قرآن را می‌توانیم ناظر و معطوف به نظام معرفت‌های انسانی‌ای بدانیم که قرار است در کنار مجموعه نظام‌های عینی و در تناظر با آن‌ها و به همکاری یکدیگر انسان را به تکامل برسانند.

وی افزود: اگر ما بتوانیم آموزه‌هایی را که خدای متعال با زبان بسیار ساده آن‌ها را در قرآن مطرح فرموده است با نظم و ترتیب استخراج کنیم و در کنار هم قرار دهیم خواهیم دید که این جهت کمالی را نسبت به هر دو مجموعه علمی و عینی‌ای که ما از آن یاد کردیم می‌توانیم پیدا کنیم.